

گزارش

# طرح اسرائیل برای تجزیه ایران مسئولین نظام را نگران ساخته است

3 آوریل 2024 م



**RASANA**  
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية  
International Institute for Iranian Studies

مقاله مردخای کیدار افسر بازنشسته موساد که در تاریخ 13 مارس 2024 میلادی با عنوان « ملت‌های غیر فارس.. راز سرنگونی نظام ایران» در روزنامه «جروزالم پست» منتشر شد، نهادهای رسمی ایران را به شدت خشمگین ساخته است؛ زیرا این نویسنده انگشت روی نقطه حساس یعنی تحریک احساسات قومی و نژادی گذاشته است که نظام از آن به شدت هراس دارد. او طرحی ارائه کرده است که بر اساس آن ایران به 6 کشور تجزیه شود و هر کدام از قومیت‌های غیر فارس یک کشور مستقل تشکیل دهند.

طرح نویسنده اسرائیلی و واکنش‌های ایران به آن، هر دو از یک حقیقت پرده می‌برد که جامعه ایرانی بر آشفتن هویتی در آستانه فوران قرار دارد و نشان می‌دهد که نظام از فروریختن ساختار هویت جامعه و کشور که بیش از چهار سال روی آن کار کرده است، سخت نگران است. این طرح و واکنش‌های ایران نشان داد که نظام ایران از تأثیر هر گونه اقدام در راستای دامن زدن به احساسات قومی ملت‌های غیر فارس بر آینده نظام به شدت نگران است؛ به ویژه در شرایط کنونی که بحران‌های داخلی و خارجی رو به وخامت نهاده و رابطه این اقلیتهای قومی با نظام بعد از قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد به تیرگی گراییده است.

گزارش حاضر به سرنوشت ساز بودن زمان این طرح و واکنش‌های ایران نسبت به آن می‌پردازد و خطرات آن بر فضای داخل ایران را مورد توجه قرار می‌دهد.

### **نخست: حساس بودن زمان طرح اسرائیل از نگاه نظام ایران**

بحران قومیت‌های غیر فارس، یک بحران قدیمی است که در زمان شاه نیز وجود داشته است اما بعد از انقلاب و در پی تبعیض‌های واضحی که در قانون اساسی و چارچوب‌های ساختاری و قانونی میان اقوام فارس و غیر فارس در نظر گرفته شده است و نیز به خاطر سیاست‌های حذف، نادیده گرفتن، سرکوب، ظلم و محروم سازی نظام علیه این قومیت‌ها، بحران قومیت‌های غیر فارس نیز رو به وخامت نهاده است. اکنون این سؤال مطرح است که با توجه به اینکه خواست تغییر نظام مسأله تازه ای نیست، در طرح نویسنده اسرائیلی برای سرنگونی نظام ایران چه چیز تازه ای دیده می‌شود؟ آنچه تازگی دارد این واقعیت است که در شرایط کنونی هرگونه تلاش و یا طرحی که اقوام ستمدیده غیر فارس را علیه نظام ایران تحریک کند، برای نظام بسیار سرنوشت ساز است. لذا، حساس بودن زمان دعوت نویسنده اسرائیلی برای تغییر نظام ایران از طریق تحریک اقوام غیر فارس را از چندین جنبه می‌توان مورد بحث قرار داد:

**اولین** جنبه، غرب یعنی اروپا و آمریکا که برای احیای برجام امتیازاتی نیز دادند، اکنون از به بن بست رسیدن این مذاکرات به شدت خشمگین هستند. البته رفتار شبه نظامیان مورد

حمایت ایران که به بهانه فشار بر ایالات متحده و اسرائیل برای توقف جنگ غزه وارد درگیری شده اند، نیز غرب را خشمگین ساخته و به این نتیجه سوق داده است که بهترین راه برای حل مشکل هسته ای ایران و رفتار منطقه ای آن، همانا سرنگونی نظام است. نویسندگان اسرائیلی با انتشار این مقاله، قصد دارد این پیام را برساند که سیاستهای غرب در مورد پرونده هسته ای و رفتار منطقه ای ایران آنگونه که باید، جواب نداده است؛ چرا که این دو پرونده با ایدئولوژی، ماهیت و اصول نظام که مبنای سیاستهای داخلی و خارجی است، گره خورده است. در نتیجه، بدون تغییر نظام حاکم تغییر این سیاستها امری به غایت دشوار است.

لذا، نویسندگان اسرائیلی بر این باور است که سیاست غرب و آمریکا در به کارگیری ابزارهای متعارف فشار، کارساز نبوده است. لذا، برای تغییر نظام باید به راهی دیگر متوسل شد که خواب را از چشمان نظام ربوده است و آن دامن زدن به بحران ملت‌های غیر فارس و تحریک احساسات جدایی طلبی آنهاست تا ایران به 6 کشور تجزیه شود و هر یک از اقوام آذری، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن کشورهای مستقلی را تشکیل دهند. نویسندگان، نظریه خود را بسیار کارساز و مهم می‌خوانند؛ زیرا اکنون که نظام برای تقویت و تداوم بقای خود به سیاستهایی چون حذف، نادیده گرفتن، تبعیض، کوچاندن، سرکوب و اعدام علیه ملت‌های غیر فارس روی آورده است، فرصت و شرایط تحریک اقوام غیر فارس به جدایی طلبی و تشکیل یک حکومت خودمختار کاملاً مهیاست.

**جنبه دوم حساس بودن طرح اسرائیلی:** مسأله هویتی و بحران همبستگی ملی در ایران در مقایسه با دوره‌های گذشته اکنون وضعیتی بس وخیمی دارد که خیزش اقوام و ملت‌های غیر فارس در اعتراضات پیاپی علیه نظام از این واقعیت پرده برداشت. و شاید کاهش بی سابقه میزان مشارکت در انتخابات به نوعی بازتاب سیاستهای خشن و سرکوبگرانه نظام علیه اقوام غیر فارس باشد. تصمیم ساز ایرانی خود را در مقابل بحران هویتی و همبستگی ملی می‌بیند که ناشی از سیاستهای نظام است و این بحران اکنون در آستانه انفجار قرار دارد. از این رو، نظام در این برهه زمانی در قبال این پرونده کاملاً حساس است. و شاید این وضعیت، تصمیم ساز ایرانی را در مقابل یک چالش سختی قرار دهد که عبارت است از باز تولید مفهوم هویت ملی و باز تعریف ساختار و اجزای هویت ملی با در نظر داشت تعدد قومی و مذهبی.

احتمالاً، نویسندگان مقاله بر این باور است که برای عملیاتی ساختن این نظریه، در گام اول، اروپا و آمریکا باید از آذری زبانها یعنی ترکها که در شمال غرب ایران زندگی می‌کنند و یک چهارم جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، بر ضد نظام ایران حمایت کنند تا آنها بتوانند نظام ایران را خسته و ناتوان سازند. در گام دوم، احوازی ها، بلوچ و کرد و دیگر اقلیت های غیر

فارس نیز برای هدف اصلی یعنی تغییر نظام، برخیزند و با آنها همراه شوند که در اینصورت مسأله پرونده هسته ای و دیگر مسائل اختلافی با بازیگران منطقه ای و بین المللی نیز قابل حل خواهد بود.

**جنبه سوم:** می توان چنین برداشت کرد که نویسندگان اسرائیلی با ارائه این طرح، در واقع از اروپا و آمریکا می خواهد به نحو مؤثری ایران را تحت فشار قرار دهد و فشارهای بازوهای نیابتی ایران علیه موضع آمریکا و اسرائیل در مورد جنگ غزه را خنثی کند. یعنی به تحریک احساسات قومی متوسل شود. گویی نویسندگان می خواهد بگوید که بهترین و کارسازترین راه مقابله با ایران، نه حملات محدود و ناپیوسته علیه مواضع گروههای شبه نظامی در مناطق نفوذ، بلکه تحریک و دامن زدن به گرایشهای جدایی طلبانه اقوام غیر فارس است. نویسندگان بر این باور است که حمایت از گرایشهای جدایی طلبانه ملت‌های غیر فارس، نظام را از داخل ناتوان می سازد که در اینصورت تهدیداتی که از سوی ایران و بازوهای نیابتی آن منطقه خاورمیانه را هدف قرار داده است، نیز فروکش خواهد کرد. در نتیجه، با برچیده شدن بساط تهدید گروههایی چون حزب الله در لبنان، حماس در فلسطین و دیگر گروههای شبه نظامی مورد حمایت ایران در عراق، سوریه و یمن فرصتهای برقراری صلح در منطقه تقویت می شود.

### **دوم: موضع نظام ایران در قبال طرحهای جدایی طلبی و حمایت از اقلیتهای غیر فارس**

مسأله تجزیه کشور و جدایی مناطقی از ایران، در طول تاریخ حکومت‌های وقت را با خود درگیر کرده است. نظام شاهنشاهی در زمان محمد رضا پهلوی اقلیت‌های جدایی طلب را به شدت سرکوب کرد. نظام کنونی نیز برای جلوگیری از تکرار تلاشهای تجزیه طلبانه و یا خودمختاری برخی اقلیت‌ها مانند عربها، ترکمن، کردها و آذری‌ها بعد از پیروزی انقلاب، همواره از خشونت، سرکوب و تهدید کار گرفته است تا مبادا آنها فکر استقلال طلبی و یا حتی خودمختاری را به ذهن راه دهند.

ایران هرگونه موضعگیری در حمایت از اقلیت‌های قومی و حتی حمایت معنوی و فرهنگی را که می تواند تمامیت ارضی و نظام را در معرض تهدید قرار دهد، با حساسیت زیادی زیر نظر دارد. در دسامبر 2020 میلادی، [شعر خوانی رجب طیب اردوغان](#) رئیس جمهور ترکیه در جمهوری آذربایجان سر و صدای زیادی در ایران به راه انداخت. این ابیات که بخشی از قصیده محمد ابراهیم اف شاعر آذربایجانی است، درباره اهمیت رود ارس است که مرز میان ایران و آذربایجان را تشکیل می دهد و اقلیت آذری زبان در شمال ایران در کرانه این رود زندگی می کنند. ایران این شعر خوانی اردوغان را نوعی دعوت به جدایی طلبی دانست.

در ماه می 2023 میلادی تهران با احضار سفیر عراق، مراتب اعتراض خود را در مورد دعوت از «گروه‌های ایرانی مخالف» که ایران آنها را جدایی طلب می‌داند، در یک مراسم رسمی در اقلیم کردستان به وی ابلاغ کرد. گفتنی است این مراسم با حضور عبد اللطیف رشید رئیس جمهور و محمد شیاع السودانی نخست وزیر عراق برگزار شده بود.

وقتی یک شعر خوانی به زبان ترکی و یا دعوت از عده ای به یک مناسبت کردی، این همه هیاهو برپا کند، آن وقت دعوت صریح و آشکار یک افسر موساد اسرائیلی که با ایران سر دشمنی دارد و در سالهای گذشته از هیچ تلاشی برای نفوذ به ساختار امنیتی ایران و اجرای رشته عملیات انفجار و ترور مخصوصاً در تأسیسات هسته ای فروگذار نکرده است، چه ها خواهد کرد؟ از این رو، شاهد بودیم که طرح مردخای کیدار برای سرنگونی نظام ایران با تجزیه کشور به 6 کشور مستقل، خشم مسئولین نظام را برانگیخت. ناصر کنعانی سخنگوی وزات خارجه ایران عنوان داشت که اظهارات پژوهشگر اسرائیلی درباره تجزیه ایران آشکارا «آرزوی شوم» دشمنان را نشان می‌دهد. برخی دیگر، این دعوت مقام سابق موساد را دخالت آشکار در امور داخلی و تهدید وحدت ملی ایران دانستند.

شاید نگرانیهای روزافزون نظام از طرحهای تجزیه طلبانه و سرنگونی نظام از آنجا نشأت می‌گیرد که اکثر اقلیت‌های قومی در ایران در مناطق مرزی زندگی می‌کنند. آذری زبانها در شمال و شمال غرب و بخشهایی از مرکز ایران، کردها در غرب، عربها در جنوب و جنوب غربی، بلوچها در جنوب و جنوب شرقی و ترکمنها در شمال و شمال شرق ایران زندگی می‌کنند. این اقلیت‌های قومی در کشورهای همسایه امتداد دارند. یعنی آذری زبانها در نزدیکی جمهوری آذربایجان هستند و کردها که آرزوی تأسیس کشور بزرگ کرد را در سر می‌پروراند با اقلیم کردستان عراق و ترکیه هم مرز هستند و عربها نیز در مناطق مرزی با عراق و کشورهای خلیج زندگی می‌کنند و پیوند قبیله ای با جمعیت کشورهای همسایه خود دارند. و بلوچ نیز با بلوچهای پاکستان و افغانستان از یک قوم و تبار هستند. مناطقی که ترکمنها را در خود جای داده است، نیز در مجاورت جمهوری ترکمنستان قرار دارد.

لذا، هر اقدامی در راستای حمایت و یا تحریک آنها علیه نظام، یک چالش جدی برای نظام به شمار می‌رود. و اگر یکی از این اقلیت‌ها به نبرد مسلحانه علیه نظام روی آورد، بقیه اقلیت‌ها نیز از مشی آنها برای جدایی طلبی الهام می‌گیرند. و آنچه بیش از همه، نظام ایران را نگران ساخته است، سرعت همراهی استانهای مرزی غیر فارس و مشارکت گسترده آنها در اعتراضات علیه نظام است که در سالهای اخیر یعنی بعد از 2017 میلادی پر رنگ تر شده است که نمونه آن را در اعتراضات اخیر در پی قتل مهسا امینی شاهد بودیم. این امر نشان می‌دهد که اقوام غیر فارس به یاری یکدیگر می‌شتابند مخصوصاً اگر بتوانند حمایت طرفهای بین المللی از طرحها و اهداف خود در مورد سرنوشت شان را جلب کنند.

هرگونه تنش در مناطقی که اقلیت های غیر فارس را در خود جای داده است، می تواند به وخامت اوضاع نابسامان اقتصادی ایران دامن بزند؛ زیرا بسیاری از مناطق راهبردی مهم ایران، این اقلیت ها را در خود جای داده اند. به عنوان نمونه، احواز که با داشتن 90 درصد نفت ایران اهمیت راهبردی و اقتصادی زیادی برای نظام دارد، اقلیت عرب را در خود جای داده است.

در سایه سیاستهای تبعیض، سرکوب، حذف و تلاشهای نظام برای زدودن هویت قومی این جوامع این احتمال وجود دارد که این اقلیت ها به دعوت مردخای کیدار برای سرنگونی نظام و تجزیه ایران به 6 کشور پاسخ مثبت دهند. برخی کنشگران و سیاستگران احواز بر این باورند که ملتهای غیر فارس در صورت تجزیه کشور، به حقوق مشروع خود دست می یابند و تجزیه کشور سبب بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنان می شود. از این رو احتمالا این [کنشگران و سیاستگران احوازی](#) نیز طرح مردخای را دنبال کنند.

### برآیند

ایران که نیک می داند اقلیت های غیر فارس چه خطری برای امنیت ملی و آینده نظام دارند، از احساسات ملی فارس زبانها برای مقابله با این خطرها استفاده می کند و نسبت به پیامدهای حمایت از گرایشات جدایی طلبانه و نیز خطرات آن بر وحدت سرزمینی و قوم فارس هشدار می دهد. اما تحولات کنونی ایران و نیز تحولات پیرامونی ممکن است برخی از بازیگران منطقه ای و بین المللی را به تحریک اقلیتهای غیر فارس برای فشار بیشتر بر نظام ایران سوق دهد تا نظام ناچار در برنامه های هسته ای و نیز رفتارهای منطقه ای و بین المللی خود تجدید نظر کند. همه اینها نظام ایران را در موقعیت خطرناک و پرچالشی قرار می دهد و نظام باید رابطه خود با اقلیتهای قومی را چنان مدیریت کند که اسرائیل و یا کشور دیگری نتواند در این برهه حساس که کشور با چالشهای بزرگ داخلی و خارجی دست و پنجه نرم می کند، از برگ فشار اقلیتهای قومی علیه نظام استفاده کند.



---

✉ [info@rasanahiiis.com](mailto:info@rasanahiiis.com)

🐦 [@rasanahiiis](#) [@rasanahiiis](#)

🌐 [www.rasanah-iiis.org](http://www.rasanah-iiis.org)

